

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۹ جنوری ۲۰۲۰

(۱) **لږ سر و خلاص**
وفضلي! لږ سيډ ولاکمر
لږ ره لږ صاف ، به ماکن نظره
می کشی هر بار ، ز رزمم ، به بزم
هرو ، که باز و ، گهی بسته در
کردم ز گفتار بزرگان رقم
لږ قفس و ، رخنه و ، تک پیت تر
چشم ، ولی چیسکی لږ درد دل
کرده رستم بعد شوم همفر
یک کمی لږ رزم و کمی هم ز بزم بشنو و با چشم دلت یکنر
گرچه خودت شاهد سر ، بر ماجر
رزم ، دگر هیچ نداده شمر
حال ، فقط عصر سر که با همگر
منطق و لږ عقل و خرد ، بهره ور

وحدتی بر عالم انسانی و،
 وحدتِ مستحکم نوع بشر (۲)
 وحدتی بر باور و اندیشه و،
 قوم و نژاد است، کنون به نژاد
 حاصل هر رزم، بود در جهان
 ماتم و لندوه و غنم، سر بسر
 گفتم و لبیک نوشتم ز رزم
 خسته شد سر خامه، طبعم دگر
 سودر بخشید و، نکرد فایده
 گویی جهان پر شده از کور و کر
 چاره نباشد بجز از انقلاب
 این، سخن و حرف و کپ مختصر
 یک نه با خشم و، نه با قهر و، جنگ
 صلح و صفای دل، همه بر خود سپر
 از سر خلاص، رستم کرد ما
 بزم، ضرورت بود و بیشتر

می تپد و قلب من از بهر بزم
 از دم صبح تا به شب و تا سحر (۳)
 هر دم و آنی که مراد شوق بزم
 بزم به خود می کشم ، با هنر
 بزم ، فسر و موش شد از روزگار
 بزم به جایش عجب مشتق
 قافیه ها ، تازه شد و ، تازه تر
 بیت و به مصرع ، به خون جگر
 کس نه توجه و ، نه چیز مر نوشت
 شاید از تلافیه کل بی خبر
 بزم ، کشاند همه را بر عدم
 بزم دهد زندگی ، با عذ و فر
 حال قضاوت به شما لاس جناب
 دور و **وضعی** ، صاحب نظر
 آنچه که فرمان برسد از شما
 است به « **نعمت** » ، بخند و معتبر
 * به خور = مناسب ، لایق و شایسته و سرور